ادعای اتحاد محمد بن یحیی الخزاز، صیرفی و خثعمی توسط مرحوم بروجردی

دیروز در مورد سند آن روایت بحثی شد. آقا هم فرموده بودند که در سند ثواب الاعمال احتمال تصحیف هست. من هم فرمایش ایشان را مرور کردم و چندبار هم خواندم اما برای ذهن من تصحیف صاف نشد. تصحیف خلاف اصل است. باید دلیل روشنی پیدا کنیم تا بگوییم تصحیف شده. این جور صاف نشد. هنوز پرونده بحثش هم باز است. ادامه آن را هم می‌نویسیم. من هم ان شاالله مفصل تر بحث می‌کنم. شما هم فرمایشتان را تمام کنید، من هم باز تأمل می‌کنم. فرمایش ایشان این است که محمد بن یحیی، واقعاً سه نفر هستند. همان تلقیای که علامه مجلسی دارند. می‌گویند یک محمد بن یحیی الصیرفی داریم که مجهول است. یک محمد بن یحیی الخثعمی داریم که ثقه است. یکی هم محمد بن یحیی الخزاز داریم که «ثقة عین» است. ایشان دارند از این سه تا دفاع می‌کنند.

آن جور که از مرحوم آقای بروجردی در تنقیح و اسناد تهذیب نقل شده بود ایشان گفته بودند که این قول اشتباه است و همه اینها یکی هستند. بسیاری از استدلالاتی که مطرح فرمودید را دوباره تأکید می‌کنم؛ شما خودتان را در فضای ذهنی مرحوم آقای بروجردی ببرید؛ آن جور که به ایشان نسبت داده شده. یعنی فرض بگیرید که این سه، یکی هستند. آن وقت ببینید شواهد چقدر برد دارد. ببینید! شاهد بر یک احتمال، شاهد بر یک احتمال است. ما که شاهد بر احتمال نمی‌خواهیم. خوب است، شاهد بر احتمال یک احتمالی را می‌آورد تا تقویت شود. ما در این فضا شاهد بر نفی می‌خواهیم. شاهد بر نفی خیلی مهم است. اگر بگوییم این طریق به آن است و آن طریق به این است، مانعة الجمع نیست. مرحوم شیخ، در دوجای فهرست محمد بن یحیی الخثعمی و محمد بن یحیی الصیرفی را آورده است، اما محمد بن یحیی الخزاز را به‌عنوان عنوان نیاورده اند. فقط در ذیل غیاث بن ابراهیم[1] آورده‌اند. یعنی در الفهرست شما نامی از محمد بن یحیی الخزاز به‌عنوان عنوان نمی‌بینید.

شاگرد: محمد بن یحیی بدون وصف است.

استاد: بله، درست است. من هم اینها را آورده‌ام. در کتاب الفهرست مرحوم شیخ است. علی ای حال ایشان باید مانعة الجمع پیدا کند. الآن آقای بروجردی همه اینها را می‌بینند اما می‌گویند مانعة الجمع نیست؛ وقتی یکی است مانعی ندارد. این طریق به او است و این طریق هم به او است. آن جا گفته‌اند صیرفی، در آن جا گفته خزاز، در آن جا گفته‌اند خثعمی، همه اینها هم یک نفر است و طرق آنها هم متعدد است. کجا شاهدی بر نفی داریم؟

شاگرد: وقتی سه اسم از سه طریق ذکر شده، اتحاد نیازمند اثبات است.

استاد: این درست است. این همان حرفی است که دیروز عرض کردم. گفتم حرف مرحوم آقای بروجردی هنوز برای ما صاف نیست. این درست است. یعنی وقتی سه عنوان میکنند ما که میخواهیم به یکی برگردانیم باید شاهد اثبات بیاوریم. شاهدی که نفس به آن اطمینان پیدا کند. نه اینکه شاهدی باشد که صرفاً احتمالی را درست کند. احتمال نمیتواند اصالة التعددی که در عنوین است را از بین ببرد. اینها درست است. لذا باید پرونده این بحث باز باشد تا برگردیم.

---

[1]محمد بن يحيى[٢]له كتاب، يرويه عن غياث بن إبراهيم، رويناه بهذا الاسناد عن أحمد بن أبي عبد الله، عنه؛ پاورقی شماره ٢:وه محمد بن يحيى الخزاز، وذلك لما ذكره الشيخ في رجاله في ترجمة غياث بن إبراهيم: (روى محمد بن يحيى الخزاز عنه).ويؤكد ذلك ان الشيخ ذكر هذا والنجاشي: ٣٥٩، الرقم: ٩٦٤، ذكر محمد بن يحيى الخزاز، والطبقة واحدة، ومن البعيد ان يكون رجلين لكل منهما كتاب في طبقة واحدة، يتعرض النجاشي لترجمة أحدهما ويتعرض الشيخ لترجمة آخر

بازبینی #2
ایجاد شده 15 آوریل 2024 14:18:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 10:15:09 توسط ... .